



۲۰۱۸/۰۷/۲۳

هدایت الله ذاهب

خال کوبی و تغییر بدن با فلزات و مهره ها



دقیق یادم هست! چند سال قبل، تقریباً نیمه های شب بود که ما شش دوست در یک چای فروشی در محوطه پوهنتون خود در هند تصمیم گرفتیم تا فردا برویم و عدد های لاتینی ۱ تا ۶ را در بدن خود خال کوبی کنیم. فضل و مرحمت الله عزوجل بود که این طرح ما هیچ گاه عملی نشد، اما فکر اینکه چرا ما چنین می خواستیم و چرا انسان ها با خال کوبی و نصب فلزات و مهره ها در بدن خویش، تغییر در تن خدا دادی خویش می آورند گاه گاهی ذهنم را مشغول می داشت. پس از تفکرات و اندک مطالعات بعضی دلایل آنرا چنین می توانم خلاصه کنم.

۱. در جامعه مدرن گفت و گو و ارتباطات به شکل بی سابقه کاهش یافته است. اگرچه گفت و گو و ارتباطات تکنولوژیکی افزایش یافته است اما این ارتباطات هیچ گاه بدیل ارتباطات و گفت و گو های مستقیم شده نمی تواند. انسان به حیث یک موجود اجتماعی ضرورت به گفت و گو ها و ارتباطات دارد و زمانی که این گفت و گو و ارتباطات به شکل طبیعی آن کاهش یابد، تعجب آور نیست که انسان ها بخواهند از طریق بدن خویش باهم صحبت کنند. خال کوبی و نصب فلزات و مهره ها یکی از ابزار این ارتباط برقرار کردن و گفت و گو کردن با دگران از طریق جسم خود است.

۲. رشته ها و روابط درازمدت مانند روابط فامیلی، دوستی های پایدار و روابط خویشاوندی در حال بی معنی شدن است. در روابط درازمدت انسان ها به خاطر چیزی که هستند تقدیر می شوند نه به خاطر چیزی که می نمایند. این قدردانی شدن برای انسان حس باارزش بودن را می دهد. در نبود این روابط خواست باارزش بودن انسان ارضا نمی شود و گرسنگی وی به خاطر جلب توجه افزایش می یابد. انسان هایی که یکدیگر را از زمان گذشته نمی شناسند معمولاً یکدیگر را توسط دید اول قضاوت می کنند و بناءً انسان های این عصر به خاطر ابراز خویش، بدن خود را به تخته های نوشتاری مملو از گفته ها و اشکال مبدل ساخته اند. بر علاوه، این خال کوبی ها و نصب فلزات و مهره ها یک آغاز کننده خوبی برای گفت و گو نیز می باشد، زیرا به مجرد سلام و علیک، سخن گفتن در مورد آن ها آغاز می شود و انسان خال کوبی شده با لحنی که خود را متفاوت نشان می دهد از داستان های عجیب و غریب ساختگی و حقیقی پشت این خال کوبی ها سخن می گوید.

جامعه مدرن به شکلی از اشکال کاملاً یک جامعه سود و زیان مادی است. معیار قضاوت ها نظر به مادیات سنجیده می شود. والدین، مکاتب و جامعه مردم را طوری مهار می کنند که تا زمانی که به یک حد از این دستاوردها نرسیده اند، بی ارزش اند. این گونه انسان های این عصر از طفولیت یاد می گیرند که باید در رقابت با دگران باشند. هر فردی به نحوی از انحا در این رقابت پسمان است، بناءً حس بی ارزش بودن آن ها را می آزرده. اعتماد به نفس اکثریت در این چنین جو رقابتی شکسته می شود. عقده روحی آن ها سبب می شود که چیزهای نیستند را با خال کوبی ها به نمایش بگذارند. به طور مثال کسی که در رقابت شجاعت باخته، شکل شیر را در خود خال کوبی می کند و همین طور اشکال و گفته های مختلف.



۳. در جامعه مدرن خدا از زندگی اکثریت منفی شده است، بناءً مردم در زمان عملکرد های خویش در جامعه خدا را در نظر نگرفته و خود را مسئول به جواب دهی وجدانی نمی پندارند. وقتی عملی را انجام می دهند معیار وجدانی (به عبارت ساده حلال و حرام و نیک و بد) برایش مجسم نبوه و حس جواب دهی برای خدا در آن ها دیده نمی شود. در چنین جامعه ای تنها کنترل کننده اعمال اختیاری انسان قوانین است. اکثر این انسان ها قوانین را صرف به خاطری پیروی می کنند که از مجازات در صورت عدول آن می ترسند. در صورتی که متیقن باشند که کسی آن ها را نمی بیند و دست قانون از آن ها کوتاه است دست به قانون شکنی می زنند و حتی برای قوانین موجود راه های فرار قانونی می سازند. دولت ها نیز به خاطر جلوگیری از هرج و مرج مجبورند به تعداد تطبیق کنندگان قانون (پولیس) بیفزایند و قوانین بیشتر و بیشتر برای حل مسائل فرار از قانون معرفی کنند. در عصر مدرن ما می بینیم که حکومت ها به حکومت های پولیسی (Police States) مبدل شده و قوانین پیچیده تر و افزوده تر شده اند. در این چنین جامعه انسان ها مجبور می شوند روبات وار به قوانین و ارزش های رایج (معیار قضاوت نظر به مادیات) عمل کرده و زندگی یکنواخت می شود. تمرد و برگشتگی در چنین جامعه در مقابل کوچک ترین ارزش ها بسیار مشکل می شود و انسان های خسته از زندگی یکنواخت تشنه متفاوت بودن می شوند. خال کوبی ها، نصب فلزات و مهره بر روی بدن و ساختن قیافه های عجیب و غریب (سفید ساختن موها توسط دختران، زن شدن مردان و مرد شدن زنان در طرز لباس پوشی و غیره) به حیث تمرد و متفاوت بودن استفاده می شود.

۴. البته دلایل فرهنگی و سایر دلایل که در فوق نیامده اند نیز موجود است.

دلیل نوشتن این چند سطر ناچیز این بود که این پدیده در جامعه ما در حال افزایش بوده و جوانان بیشتری به صورت روز افزون بدن های خویش را داغدار می سازند. پس جوانان باید با خواندن این چند سطر به حیث آغاز آگاهی قبل از داغدار ساختن بدن خویش فکر دوباره در این مورد کنند.

باید یادآور شد که اسلام عزیز را زیستن اکثر این خلاء ها را در زندگی پر می کند. البته اسلام را زیستن به معنی کامل آن نه فقط ظاهر خویش را اسلامی ساختن، زیرا اسلام عزیز به ارتباط فAMILI، خویشاوندی و دوستی بدون کدام توقع تأکید می کند، از یک سو معیار قضاوت انسان ها را تقوا می گوید و مسائل مادی را معیار قضاوت انسان ها نمی داند از سوی دیگر می گوید تنها الله عز و جل تقوا را می داند. یکی از معانی تقوا این است که در هر عمل الله عزوجل بینا و شاهد پنداشته شود و در این صورت متقیان در عدم وجود پولیس و قوانین پیچیده نیز ظلم و تعدی روا نخواهند داشت. بینش اسلام زندگی را فقط رسیدن به مادیات و مقام های دنیوی نمی بیند بلکه دنیا را سواری برای آخرت می پندارد. انسان های دین دار (دین داری به معنی واقعی آن) ضرورت ابراز خود را به دیگران ندارند، آن ها خود را با دیگران مقایسه نمی کنند زیرا یقین دارند که برتری در آخرت معلوم خواهد شد. آن ها با انسان های حقیقی به خاطر الله عز و جل دوستی و هم نشینی می کنند و از عقده های روحی نجات می یابند. در نظام اسلامی حس تمرد و برگشتگی کمتر به وجود می آید زیرا می دانند که قوانین را هموعان شان برای کنترل آن ها نساخته بلکه توسط خالق وضع شده است. و بالاخره یک مؤمن تمرد و برگشتگی خود را با شعارها، خال کوبی ها و ساختن چهره های غیر طبیعی اظهار نمی کند بلکه در چارچوب قوانین الهی با حکمت و در نظر گرفتن منافع مردم دنبال تغییر و مجاهده می رود.

به امید بیداری امت اسلام!

